

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

صص ۱۹۵-۲۱۶ (مقاله پژوهشی)

حذف به عنوان عامل انسجام متنی در بخش ادعیه صحیفة سجادیه

عسگر مالک^۱، محسن سیفی^۲، علی بشیری^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۹ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۲۳)

چکیده

دستور نظاممند یکی از زیر مجموعه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا است که مایکل هلیدی و رقیه حسن این دستور را رشد و توسعه دادند و با هدف کاربردی کردن آن "نظریه دستور زبان نقش‌گرای نظام‌بنیاد" را مطرح نمودند. در این پژوهش عامل انسجام متنی حذف براساس نظریه انسجام مایکل هلیدی، در شش دعای صحیفة سجادیه (۲۱، ۲۵، ۳۷، ۴۵، ۵۰، ۵۲) به صورت تحلیلی، توصیفی و آماری مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که حذف قرایین لفظی و معنایی در ساختار متن دارد که از طریق بخش‌ها و عناصر دیگر متن بازیابی می‌شود می‌تواند به عنوان یکی از عوامل انسجام متنی در صحیفه سجادیه لحاظ گردد. با توجه به ارتباط نزدیکتر امام سجاد (ع) به خداوند متعال و اصل اقتصاد زبانی، امام(ع) زبان خود را موجز و فشرده بیان کرده‌اند تا ارتباط و انتقال پیام و اجابت سریع و در کوتاه‌ترین زمان صورت گیرد. بنابراین جمله‌ها در صحیفة سجادیه بیشتر کوتاه و موجز است و این به خاطر تعجیل در ایجاد پیوند با خالق هستی و درخواست حاجت است.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی نقش‌گرا، حذف، انسجام متنی، صحیفة سجادیه.

malekaskar@yahoo.com

motaseifi2002@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان؛

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)؛

۳. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان.

مقدمه و بیان مسأله

علمی که به شناخت و بررسی زبان می‌پردازد زبان‌شناسی نامیده می‌شود. «زبان‌شناسی علمی است که برای مطالعه‌ی زبان به روش‌های علمی پدید آمده است. این دانش در آغاز قرن بیستم میلادی با دیدگاه‌هایی متولد شد که فردینان دوسوسر، زبان‌شناس سوئیسی، در نوشته‌ای به نام دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی معرفی کرده بود. سوسر بر این باور بود که موضوع اصلی این دانش، خود زبان است و چون «زبان» نظامی از نشانه‌هاست، این دانش، بخشی از دانش کلی تری را تشکیل می‌دهد که باید نشانه‌شناسی نامیده شود» (صفوی، ۲۴). نشانه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی مدیون «پیرس» است هم‌زمان با او فردینان دوسوسر علم جدیدی را طراحی کرد که به بررسی زندگی نشانه‌ها در متن زندگی اجتماعی می‌پردازد که به آن «سمیولوژی» (نشانه‌شناسی) لقب داد. «مفهوم نشانه‌شناسی پیش از هر چیز ریشه در مفهوم نشانه دارد، خود این واژه به اصطلاحات seminoma، semanomenon، (دال، مدلول) بر می‌گردد که توسط فیلسوفان رواقی در زبان‌شناسی یونان باستان در قرن‌های دوم و سوم پیش از میلاد استفاده می‌شد. دو هزار سال بعد در آثار فردینان دوسوسر تکامل یافت. بنابراین نشانه‌شناسی می‌تواند به مطالعه‌ی عام نشانه‌ها تعریف شود. اماً محدودیتی وجود دارد که بیشتر اوقات در تاریخ این برداشت از نشانه مشهود بوده است و آن این که این برداشت تمایل داشته تا مفهومی جزء‌نگر بماند. نشانه تمایل داشته تا چیزی منفرد یا چیزی در ذات خود باشد پیش از این که در فکر ارتباط با دیگر نشانه‌ها باشد پیش از هر چیز به تنها بی وجود دارد. حتی در کارهای سوسر به رغم برداشت ژرف‌اش از زبان به مثابه مجموعه‌ای از روابط، هم‌چنان این برداشت به نسبت جزء‌نگر از نشانه‌ی زبانی را خواهد دید. بدان دلیل، می‌خواهم این تعریف از نشانه‌شناسی را اصلاح کنم و بگویم به جای تلقی آن به مثابه مطالعه‌ی نشانه‌ها مایل‌ام تا آن را مطالعه‌ی نظام‌های نشانه و به عبارتی مطالعه‌ی معنا در عام‌ترین مفهوم‌اش بدانم» (هلیدی، ۴۹—۵۰).

رویکرد کلی در مطالعه زبان رویکردی است که بر اجتماع و نقش‌های اجتماعی تأکید دارد. عبارت «زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی» ویژگی بارز رویکردی است که ما شاهد آن هستیم. اصطلاح «نشانه‌شناسی اجتماعی» می‌تواند بیانگر ایدئولوژی همگانی یا نظرگاهی عقلانی، یعنی دیدگاهی مفهومی در این خصوص، به حساب آید. اما همزمان معانی ضمنی‌ای هم از این دو واژه استنباط می‌شود: نشانه‌شناسی و اجتماعی. دانشی که به بررسی و تحلیل روابط فراتر از جمله می‌پردازد زبان‌شناسی متن نامیده می‌شود. «زبان‌شناسی متن» یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید زبان‌شناسی است. وظیفه‌ی این شاخه از زبان‌شناسی، بررسی آن دسته از قواعد زبانی است که عناصر زبانی فراتر از مرز جمله را در بر می‌گیرد؛ به عبارتی دیگر، در زبان‌شناسی متن، واحدهای زبانی در سطح واژه یا جمله توصیف نمی‌شوند، بلکه در سطح متن تحلیل می‌شوند (البرزی، ۱۳). زبان‌شناسی متن شاخه‌ای از زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان است که بر مطالعه متن‌ها و نظام حاکم بر متون نوشتاری تأکید دارد و بیشتر به انسجام ساختاری متن مربوط می‌شود.

زبان‌شناسی نقش‌گرا یا کاربردی از رویکردهای مهم نظری در زبان‌شناسی است که در مقابل زبان‌شناسی فرمالیستی قرار دارد. در این رویکرد، نقش‌های اجتماعی و بافتی زبان مورد تأکید قرار می‌گیرد. دستور نظام‌مند یکی از زیر مجموعه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا است که مایکل هلیدی زبان‌شناس بریتانیایی و همسرش رقیه حسن استاد زبان‌شناسی توسعه دهنده دستور زبان نقش‌گرای نظام بنیاد هستند. هلیدی و حسن با هم آثار زیادی را در زمینه‌ی زبان‌شناسی نظام‌مند منتشر کرده‌اند. ارائه‌ی معیارهای دقیق برای تشخیص وجود یا عدم وجود انسجام در یک متن یا گفتار کاری دشوار است اما این کار سخت را هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ با طرح نظریه‌ی انسجام انجام دادند. هلیدی در نظریه‌ی خود، نظام صوری زبان را با نظام نقشی و معنایی دریافت متن مورد بررسی قرار داد (کارکرد محور). در این دیدگاه، زبان یک نهاد اجتماعی بشری است و کارکرد اصلی زبان برقراری ارتباط میان انسان‌ها برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم ذهنی به یکدیگر است. در

این نظریه در چارچوب نقش‌گرایی به شکل سازمان‌یافته و نظاممند به تجزیه و تحلیل متون ادبی پرداخته می‌شود. بنابراین دو مفهوم اساسی و بنیادین در این دیدگاه وجود دارد که نام این رویکرد از آنها اخذ شده است این دو مفهوم عبارتند از: نظام و نقش. امتیازات رویکرد «هلیدی» به دستور، یکی مبنای معنایی این دستور است و به کارگیری اصول دستوری را نیز نفی نمی‌کند. به عبارت دیگر کارکرد محور است نه دستور محور. امتیاز دیگر دستور نظام بنیاد هلیدی، عدم توجه صرف به زبان نوشتاری است یعنی به هر دو صورت نوشتاری و گفتاری اهمیت می‌دهد. و سومین امتیاز این رویکرد، حرکت در سراسر لایه‌های متن را امکان‌پذیر می‌داند.

صحیفه سجادیه بعد از قرآن کریم و نهج البلاغه در بالاترین سطح بلاغت و فصاحت قرار دارد. کثرت شارحان و محققان این کتاب نشانگر اهمیت کتاب صحیفه سجادیه نزد بزرگان و اندیشمندان اسلامی است. این کتاب یکی از مهم‌ترین متون ادبی، شایسته تحلیل و بررسی است. با توجه به این که در باره قرآن کریم و نهج البلاغه پژوهش‌های زیادی انجام شده است و با عنایت به این که کتاب صحیفه سجادیه بعد از قرآن و نهج البلاغه از مهم‌ترین و بالارزش ترین کتب دینی در بین شیعیان و علاقه مندان است ضروری می‌نماید که در مورد این کتاب نیز تحقیق و تحلیلی بر اساس یکی از نظریه‌های معاصر یعنی زبان شناسی نظاممند نقشی صورت گیرد. پیرامون ابزارهای انسجام متنی و هماهنگی کلمات در متون دینی و ادبی، تحقیقات زیادی انجام شده است از پیشیه بحث مذکور چنین بر می‌آید^۱ که

۱. ات کریمی‌فرد، غلامرضا (۱۳۷۵)، نکات بلاغی در صحیفه سجادیه، فصلنامه مشکاء، شماره ۵۳-۲- کریمی‌فرد، غلامرضا (۱۴۲۶ هـ)، *البعالیة فی الصحيفة السجادیة*، مجله العلوم الانسانیة، شماره ۱۲-۳- تجلیل، جلیل، نیايش دوم صحیفه سجادیه و تلمیحات قرآنی و نکات ادبی آن، نشریه سفینه، شماره ۹-۴- خانجانی، علی اوسط (۱۳۸۴)، شکوه تعبیر و صحیفه سجادیه، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، شماره ۱۵-۵- ابن الرسول، سیدمحمد رضا؛ مظفری، صدیقه (۱۳۸۷)، آرایه‌های بدیعی در صحیفه سجادیه، فصلنامه کاوشنامه، ضمیمه شماره ۱۷-۶- رسولی، حجت و مجتبی ترکاشوند (۱۳۹۱)، تجلی صور خیال در صحیفه سجادیه، زیباترین اثر دعایی شیعه، فصلنامه ادبیات دینی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه خراسان رضوی)، شماره ۲-۷- محمدی بازیزی‌دی، مجید؛ متّقی‌زاده، عیسی و علی‌رضا محمد رضابی (۱۳۹۲)، *التقابل فی الصحيفة السجادیة و اثره فی الانسجام*، مجله دراسات فی اللغة العربية و آدابها (مجلة ←

پژوهشی مستقل در باره عنصر انسجامی حذف در صحیفة سجادیه بر اساس نظریه مایکل هلیدی و رقیه حسن صورت نگرفته است. لذا در این پژوهش عامل انسجام متنی حذف بر اساس نظریه انسجام مایکل هلیدی، در شش دعای صحیفة سجادیه (۲۱، ۲۵، ۳۷، ۵۰، ۵۲) به صورت تحلیلی، توصیفی و آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از تحلیل و بررسی، بسامد آن در ادعیه مذکور به شکل درصد نشان داده می‌شود. آشنا شدن با عامل انسجام متنی حذف موجب درک عمیق تر و افزایش جذابیت متن صحیفه سجادیه خواهد شد. این تحقیق می‌خواهد به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- اشکال گوناگون «حذف» در صحیفة سجادیه چیست؟
- ۲- علت وقوع «حذف» و نقش آن در انسجام متنی صحیفة سجادیه چگونه است؟
- ۳- بسامد عامل انسجامی «حذف» در این کتاب بزرگ دینی چیست؟

۱- انسجام در زبان‌شناسی

اما قبل از پاسخ به سؤالات یاد شده شناخت برخی از مفاهیم کلیدی در راستای انسجام ضروری است.

روابط انسجامی میان عناصر زبانی از مواردی است که زبان‌شناسان نقش‌گرا به بررسی آن می‌پردازند. ویژگی مهم و برجسته یک متن انسجام (پیوستگی) است که متن را یکپارچه و متّحد می‌کند. انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی در متن اشاره دارد و متن را از غیر متن متمایز می‌سازد. انسجام عبارت است از تفسیر و تعبیر یک عنصر با توجه به عنصر دیگر در متن به عقیده برخی از محققان انسجام، ارتباط دستوری، واژگانی

→ دولیة محکمة، جامعه سمنان - ایران و جامعه تشرین - سوریه، العدد الخامس عشر. ۸- خلف، حسن؛ آباد، مرضیه؛ سیدی، سید حسن و بلاسم محسنی (۱۳۹۳)، تحلیل زیبایی‌شناختی تصویرهای هنری و موسیقایی صحیفه سجادیه (مطالعه موردهی دعاها) ۲۴، ۲۵، ۲۲، ۲۳، مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۹- ۹- وطن خواه، مظہر، «بررسی عناصر انسجام متن در پنج دعا از صحیفة سجادیه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، ۱۳۹۴، تهران.

و آوابی میان عناصر درون یک متن است که به وسیله‌ی آن، متن یکپارچه و معنی‌دار می‌شود. «نخستین معیار از اصول هفتگانه‌ی سازنده‌ی متنیت "انسجام" است که به چگونگی پیوند معنی‌دارِ متقابلِ میان مؤلفه‌های رومتن یا متن ظاهری و عیان - در واقع همان لفظ‌هایی که می‌شنویم یا می‌بینیم - مربوط می‌شود» (ساسانی، ۱۳۴). اعضاء و واحدهای جمله‌های متن از طریق روابط معنایی به یکدیگر پیوند می‌خورند و این ارتباط معنایی موجب انسجام پیام‌های متن می‌شود. و به نظر محققی دیگر: «"انسجام" ملاکی است که سبب می‌گردد بتوانیم رابطه میان واحدهای واژگانی درون یک متن را دریابیم. بنابراین اگر ما بتوانیم واحدهای درون یک متن را از طریق یکدیگر تعبیر کنیم، از "انسجام" برخوردار خواهد بود» (صفوی، ۳۰۹). انسجام به چگونگی پیوند معنی‌دارِ متقابلِ میانِ مؤلفه‌های رومتن یا متن ظاهری و عیان مربوط می‌شود و این پیوند از نوع وابستگی دستوری و درون متنی است. «در عصر اخیر، فیلسوف امریکایی پیرس معیار جمالی را به همین «انسجام» و «وحدت» و «یکپارچگی» باز گرداند: شیء زیبا دارای ابعاض و اجزایی است که به عنوان یک کل عمل می‌کنند و انسجام از رهگذر نظمی در روابط اجزای این کل با یکدیگر بوجود می‌آید» (شفیعی کدکنی، ۳۷۴-۳۷۵). مبحث انسجام توسط مایکل هالیدی و رقیه‌حسن طرح شد و امروز همه، بحث انسجام را با نام آنان می‌شناسند. در هر صورت، آنچه "مایکل هالیدی" و "رقیه‌حسن" در باره مسئله نظم و نظام گفته‌اند به طور کلی همان است که بلاغیون عرب علی الخصوص عبد القاهر جرجانی قبل‌گفته بودند» (نور‌عوض، ۸۹). مفهوم مهم در انسجام یک متن پیوند انسجامی است و آن ارتباط معنایی میان اعضاء و اجزای یک متن است. «هالیدی معتقد است که انسجام به صورت بالقوه در عناصر نظام زبانی همچون ارجاع، حذف، جانشینی و ... که درون زبان قرار دارند، نهفته است، اما عینیت یافتن آن در هر مورد، به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست، بلکه به وجود عناصری دیگر بستگی دارد که به شکل گرفتن «گره» (Tie) و آن‌گاه ارتباط این عناصر با یکدیگر به صورت «زنجبیره» (Chain) منجر می‌شود.

آنچه یک عنصر را با دیگر عناصرهای انسجامی مربوط می‌کند، گره نامیده می‌شود» (خامه‌گر، ۷). ویژگی بارز هر متن پیوستگی و انسجام آن است که متن‌ها را یکپارچه و متّحد می‌کند. «ظاهرًا انسجام، معیار غالب متن بودگی است. به عبارتی دیگر، انسجام برای پیدایش متن، از مهم‌ترین عوامل بهشمار می‌رود. حتّی هنگامی که سایر معیارهای متن تحقق نیافته باشند، چنان‌چه انسجام موجود باشد، متن درست است» (البرزی، ۱۸۹).

پیوستگی همان روابطی است که معانی یک متن را به یکدیگر پیوند می‌زند و هر متنی در صورتی انسجام می‌یابد که این ارتباط معانی در آن برقرار باشد. «سهم مهم در پیوستگی یک متن، از آن انسجام است: یعنی مجموعه‌ای از منابع زبان‌شناختی که هر زبانی (به عنوان بخشی از فرانش متنی) در اختیار دارد و از آن برای پیوند یک بخش از متن به بخش دیگر استفاده می‌کند» (هلیدی، ۱۲۶). و این منابع زبان‌شناختی عبارتند از: ۱- ارجاع -۲- جایگزینی -۳- حذف -۴- ادات ربط -۵- انسجام واژگانی. این‌ها روابط معنایی هستند که بخش‌های مختلف متن را به یکدیگر ربط می‌دهند. «مفهوم بسیار مهم در بحث از بافتار، پیوند است و لازمه‌ی پیوند، داشتن دو عضو است و این اعضاء نمی‌توانند در پیوند با هم باشند مگر این که رابطه‌ای بین آنها برقرار باشد و ماهیّت این ارتباط، معنایی است: این دو اصطلاح پیوندی از طریق رابطه‌ای معنایی به هم مرتبط‌اند.. چنین روابط معنایی مبنای انسجام پیام‌های متن را تشکیل می‌دهد» (همانجا، ۱۶۸ و ۱۶۹). «مقصود از "اتّساق" همان انسجام و یکپارچگی شدید میان اجزای تشکیل دهنده‌ی متن یا گفتمان است و در آن ابزارهای زبانی و صوری مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، انسجام به عناصر دستوری، واژگانی و آوایی مربوط می‌شود که در انسجام ظاهری متن به وسیله‌ی عوامل صریح زبانی و متنی نقشی ایفا می‌کنند، مانند: ارجاع، جایگزینی، حذف و ...» (خطابی، ۵). انسجام به چگونگی پیوند معنی‌دار متقابل میان مؤلفه‌های رومتن یا متن ظاهری و عیان مربوط می‌شود. این پیوند از نوع وابستگی دستوری و درون متنی است.

۲- انسجام متنی

مجموعه‌ی روابط بین جمله‌ای متن، انسجام متنی نامیده می‌شود. اصطلاح «انسجام متنی» در تحلیل زبانی و نشانه‌شناختی متن حائز اهمیت است. وحدت متنی زبانی، انسجام متنی را ایجاد می‌کند. در زمینه‌ی انسجام متنی، الگوی مایکل هالیدی و رقیه حسن (۱۹۷۶) مهم‌ترین الگواست. هالیدی کسی است که در زبان انگلیسی درباره‌ی ساختمن متنی و روابط میان جمله‌ای متن پژوهش‌های زیادی را انجام داده است. از نظر او متن وحدت زبانی و ارتباطی خاصی است. انسجام مرتبط با سطح زبانی متن که آن را انسجام متنی می‌نامیم، شرط تحقق متنیت است. برای این که مجموعه‌ای از جملات و نشانه‌ها یک متن را تشکیل بدهند، باید انسجام و سازگاری خاصی با هم داشته باشند، لذا گاهی گفته می‌شود این انسجام شرط «متنیت» است. «انسجام دستوری برای کارآمدی نیازمند حمایت انسجام واژگانی است و انسجام واژگانی برای کارآمدی نیازمند حمایت انسجام دستوری است» (رقیه حسن، ۱۸۵-۱۸۶).

انسجام متن در دو سطح قابل بررسی است: ۱- سطح معناشناصی ۲- سطح کاربردشناسی. سطح معناشناصی (معنای سماتیک): به روابط انسجام درون‌زبانی مربوط می‌شود و آن همان معنای نشانه در زبان است (معنای لغوی).

سطح کاربردشناسی (معنای پراگماتیک): با عوامل بیرون از زبان ارتباط دارد، همان معنایی که در کاربرد پیدا می‌کند و با مقصود کاربران و موقعیت و شرایط کاربرد ارتباط دارد (معنای کاربردی).

۳- انسجام دستوری (نحوی) و جایگاه حذف از نظر علمای بلاغت

با کمک عناصر نحوی موجود در جمله‌های متن و ایجاد ارتباط و پیوند میان عبارات، انسجام دستوری حاصل می‌شود. إرجاع، حذف و جایگزینی از عوامل مهم در خلق انسجام نحوی در متن محسوب می‌شوند. اما در این مقاله عامل انسجام حذف در دعاها

صحیفة سجادیه، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. اما قبل از آن توجه به دیدگاه علمای بلاغت در خصوص جایگاه حذف امری ضروری است.

۴- «حذف» در بلاغت (علم معانی)

تفتازانی در کتاب «شرح المختصر» مبحث ایجاز حذف پس از ذکر مثال‌هایی در مورد انواع حذف (مضاف، صفت، فعل شرط، جواب شرط، جمله) و مطرح ساختن برخی دلائل حذف بیان می‌کند که «حذف دو نوع است: أ- حذفی که چیزی به جای محفوظ نمی‌آید بلکه به قرینه اکتفا می‌شود، مانند مثال‌هایی که ذکر گشت. ب- حذفی که چیزی دیگر به جای آن قرار می‌گیرد، مانند: «وَ إِنْ يُكَذِّبُوكُ فَقَدْ كُذِّبْتُ رُسلُ مِنْ قَبْلِكُ» بنابراین جمله «فقد كذبت» جواب شرط نیست زیرا تکذیب پیامبران مقدمَ بر تکذیب اوست بلکه آن علت و سببی برای مضمون جواب شرط محفوظ است که به جایش آمده است یعنی فلا تحزن واصبر» (تفتازانی، ۲۷۷). عبد القاهر جرجانی در دلائل الاعجاز (۲۲۳) در مورد عنصر حذف می‌گوید: «حذف شیوه و سبکی دقیق و پیچیده است و آن موضوع عجیبی شبیه سحر و جادو است زیرا در آن نیاوردن را فضیح تر و رساتر از آوردن می‌بینی».

۵- ارتباط حذف و انسجام در زبان‌شناسی

یکی از ابزارهای انسجام در زبان‌شناسی متن، حذف است و آن عبارت است از حذف کردن یکی از عناصر متن یا یک ترکیب کامل به قرینه لفظی یا معنوی است. عنصر حذف در زمینه‌های مختلف از جمله نحو، بلاغت و زبان مورد بحث و پژوهش قرار می‌گیرد. حذف نحوی مربوط به قواعد نحوی است و حذف بلاغی بر اساس اهداف علم بلاغت صورت می‌گیرد و حذف زبانی بین دو جمله یا بیشتر برای خلق ارتباط پدید می‌آید و در نهایت موجب هماهنگی و انسجام در متن می‌شود و این موضوعی است که نخستین بار توسط مایکل هلیدی و رقیه حسن مطرح گشت. حذف در رویکرد هلیدی و حسن به عنوان یکی از عوامل انسجام، از این رو مورد توجه قرار گرفته است که ما در متن، یک

عنصر پیش انگاشت داریم یعنی قبل‌اً چیزی ذکر شده و شناسانده شده است یعنی مرجع آن پیش از خود آن آمده است سپس حذف صورت گرفته است در واقع به صورت نظاممند میان متن ارتباط برقرار شده است. لذا حذف یک رابطه پس رو و درون متنی محسوب می‌شود و آن نه تنها خلل و ایرادی در بافت و معنی متن ایجاد نمی‌کند بلکه روانی و انسجام متن را در پی دارد به خاطر این که ذهن مخاطب و خواننده در تلاش است با رجوع به ترکیبات و قرائن قبلی شکاف ایجاد شده را پر کند تا مشکل برطرف گردد و این سعی و تلاش ذهن برای خلق ارتباط میان عناصر متن موجب انسجام و پیوستگی می‌شود. «تفاوت میان دو عامل انسجامی حذف و جای‌گزینی در این است که در جانشینی، عنصری به جای عنصری دیگر می‌آید اما در حذف به جای عنصر محفوظ، عنصر دیگری نمی‌آید بلکه هیچ (صفر) جانشین آن می‌شود» (هلیدی و حسن، ۱۴۴). عنصر محفوظ ردپایی از خود در متن به جا می‌گذارد تا خواننده به کمک قرائن موجود در متن، عنصر یا عناصر حذف شده را دریابد کاربرد حذف در واقع توجه خواننده را به اطلاعات جدید جلب می‌کند و برای استمرار مطالعه در او علاقه و اشتیاق ایجاد می‌کند. «به دلیل متأخر بودن حادث از عدم، حذف مقدم بر ذکر است ... و از فایده‌های حذف، بزرگ داشتن و مهم دانستن است به خاطر ابهامی که در آن است و به این علت که ذهن بشر به هر طرف کشانده می‌شود ... هر زمان درک محفوظ دشوارتر باشد لذت بخشی اش زیادتر می‌شود و به سبب تلاش و کوشش برای درک آن، پاداش و بهره افزایش می‌یابد» (الکفوی، ۳۸۴). انسجام حاصل از عامل حذف ناشی از این واقعیت است که خواننده برای ایجاد ارتباط سعی می‌کند تا جای خالی حذف را پر کند و با تلاش و کوشش مستمر خود به درک و فهم معنای متن دست می‌یابد. «پیوند حذف یکی از ابزارهای اتصال متن است در این ابزار، ارجاع متن از طریق خلاء‌ها پدید می‌آید، عدم حضور واژه‌ها باعث راهنمای کنکاش (جست‌وجوگر) حذف می‌شود» (البرزی، ۱۶۴). هر چه امکان حذف در کلام بیشتر باشد ارتباط اجزای کلام افزایش می‌یابد در نتیجه انسجام متن بیشتر می‌گردد. «حذف نوعی عامل انسجام است یعنی در واقع مورد خاصی از جای‌گزینی است که در آن هیچ را

جایگزین یک عبارت [یا کلمه] می‌کنیم» (کرول، ۲۵۶-۲۵۷). «حذف در سطح یک جمله موجب یکپارچگی و انسجام نمی‌شود بلکه آن در سطح بیشتر از یک جمله ایجاد انسجام می‌کند» (بوسته، ۶۶). مانند: «وَ امْنُ عَلَىٰ بِكُلٍّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَاٍ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيْتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ» (بر من منت گذار با هر چه که در دنیا و آخرتم موجب اصلاح حالم شود چه آنها که یاد کرده و چه آنها که از یاد برده‌ام آشکار کرده یا پنهان نموده‌ام: دعای ۲۵). در این مثال نخست کلمات «منه» از جمله‌ی «ما نسیت» به قرینه لفظی حذف شده‌است سپس کلمات «ما و منه» نیز در جمله‌های بعدی به قرینه لفظی حذف گردیده‌است و این حذف به صورت افزایشی (ابتدا «منه» سپس «ما و منه») صورت گرفته و در انسجام بخشی به متن نقشی مهم ایفا کرده است. وقتی حذفی در متن صورت می‌گیرد خواننده جای خالی محفوظ را با توجه به قرایین موجود، در ذهن خود کامل می‌کند در واقع وی در پیوند دادن اجزای متن به یکدیگر سهیم می‌شود و از خواننده صرف به یک خواننده فعال در می‌آید و در خلق متن شریک می‌شود بنابراین نقش اساسی حذف به عنوان یکی از عوامل انسجام متن آشکار می‌گردد. اگر موارد محفوظ ذکر می‌شد آن انسجام و هماهنگی مورد انتظار ایجاد نمی‌شد و به قول جرجانی این چه رازی است که گاهی نیامدن، بهتر و مؤثرتر از آمدن است.

هليدي و رقيه حسن، انواع حذف را به صورت زير بيان کرده اند:

- ۱- حذف اسم: اسمی از درون متن با قرینه حذف می‌شود، مانند: أَقْبَعَةٌ سَتَلَبِسٌ؟ هذه هی الأَحْسَن. یعنی در واقع «هذه القبعة» بوده است که واژه «القبعة» از جمله حذف شده است.
- ۲- حذف فعل: فعلی از داخل متن حذف می‌شود، مانند: هل كُنْتَ تَسْبِحُ؟ نعم.
- ۳- حذف جمله یا شبه جمله: آن حذف جمله یا شبه جمله از متن است، مانند: كم ثُمَّهُ؟ خمسة جنبهات (خطابی، ۲۲). با این دسته‌بندی به بررسی انواع حذف در صحیفه سجادیه می‌پردازیم.

۶- حذف اسم در ادعیه مورد پژوهش صحیفه سجادیه

حذف اسمی در صحیفه زیاد است از جمله: «وَ امْنُ عَلَىٰ بِكُلٍّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيْتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ» (بر من منتگزار با هر چه که در دنیا و آخر تم موجب اصلاح حالم شود آنچه یادآور شدهام و آنچه که از یاد بردهام، آشکار نموده یا پنهان کردهام، اعلام کرده یا پوشیده گذاشتهام: دعای ۲۵)، در این عبارات ضمیر متصل «ه» در پنج جمله که نقش متممی دارد و اسم موصول «ما» در چهار جمله که از نظر اعراب تابع ما قبل خود است به قرینه لفظی حذف شدهاند. خواننده برای دریافت معنی و پر کردن جای خالی کلمات محذوف به سراغ جملات و کلمات قبلی می‌رود تا فهم موضوع حاصل شود لذا وقتی حذفی در متن صورت می‌گیرد خواننده جای خالی محذوف را با توجه به قرایین موجود، در ذهن خود کامل می‌کند در واقع وی در پیوند دادن اجزای متن به یکدیگر سهیم می‌شود و از خواننده صرف به یک خواننده فعال در می‌آید و در خلق متن شریک می‌شود بنابراین نقش اساسی حذف به عنوان یکی از عوامل انسجام متن آشکار می‌گردد. و مانند: «فَمَنْ غَرَّتَ لَهُ بِطْوِلَكَ، وَ مَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ بِفَضْلِكَ» (بس هر کس را آمرزیده‌ای به احسانت بوده و از هر که راضی گشته‌ای به فضل و توانست بوده است: دعای ۳۷)، در این جملات شرطی ضمیر «هو» در دو جمله که در هر دو نقش مبتدا را دارد حذف شده است یعنی تقدير به این شکل است: «فَهُوَ بِطْوِلَكَ» و «فَهُوَ بِفَضْلِكَ»، خواننده با کمک حرف ربط واقع در جواب شرط(ف) و با رجوع به جمله‌های قبلی ضمایر محذوف را بازیابی می‌کند و با برقراری این ارتباط و پیوند طبق نظر هلیدی انسجام و بیوستگی حاصل می‌گردد. و مثل «سیحانک، مَا أَعْظَمَ شَانَكَ، وَ أَقْهَرَ سُلْطَانَكَ، وَ أَشَدَّ قُوَّتَكَ، وَ أَنْفَذَ أَمْرَكَ» (پاک و منزهی، چه والا است مقامت، و چه نفوذناپذیر است قدرت، و چه سهمگین است تیرویت، و چه نافذ است فرمان: دعای ۵۲)، در این دعا، واژه «ما» از ابتدای جمله‌های سوم، چهارم و پنجم به قرینه لفظی حذف گردیده است. حذف با کمک حرف ربط، متن را یکپارچه و متحد ساخته است و در پیوند

دادن اجزای متن به یکدیگر و ایجاد پیوستگی، نقشی مهم‌ ایفا کرده است. در واقع حذف عناصر در متن، تعامل میان خواننده و متن را افزایش می دهد و همین ارتباط زیاد بین مخاطب و متن و تلاش برای کشف معانی، کنجدکاوی و علاقه خواننده را افزایش می دهد و در نهایت موجب هماهنگی بیشتر و انسجام در متن می شود.

جدول ۱- بسامد حذف اسم در ادعیه مورد پژوهش

۲۰۷	دعا ۲ «فختم بنا علی جمیع من ذراً(ذرأهم)»- «و جعلنا شهداء علی من جحد»(جَحَدَهُ).	مورد
۵	دعا ۲۱ «بما تحبّ و ترضي»(تحبّه و ترضاه)- «لم أقدر على ما عندك»(هو عندك)- «لَا أتال ما عندك»(هو عندك)- «فيما عندك»(هو عندك).	مورد
۹	دعا ۲۵ «ما ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيْتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَغْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ»(ما نسيت منه و ما أظهرت منه و ما أخفيت منه و ما أعلنت منه و ما أسررت منه).	مورد
۶	دعا ۳۷ «فمن غفرت له فبطولك»(فهو بطولك)- «و من رضيت عنه ففضلك»(فهو بفضلك)- «لمن عاقبت»(عاقبته)- «على من عفية»(عفيفته)- «عما استوجبت»(استوجبته)- «لَا مِنْ؟»(من: مبتدأ و خبره محذوف تقديره: هو).	مورد
۴	دعا ۵۰ «و قد تقدّمَتْ مَا قد علمتْ»(قد علمته)- «فلو لا المواقف»(موجود)- «بِـا ربّ»(ربّی)- «و لَوْ أَنَّ عِذَابَ مَتَّا يَزِيدُ»(أنّ عذابی مما یزید: فی محلّ رفع مبتدأ لخبر محذوف تقديره: موجود).	مورد
۴	دعا ۵۲ «و أَقْهَرَ سَلَطَانَكَ»(ما أَقْهَرَ)- «و أَشَدَّ قُوَّتَكَ»(ما أَشَدَّ)- «و مَا أَنْفَذَ أَمْرَكَ»(ما أنفذ)- «و إِنَّى أَصْبَحْ وَ أَمْسَى ...»(خبر أصبح محذوف).	مورد

طبق جدول شماره ۱ از مجموع ۳۰ مورد عنصر انسجامی حذف اسم، دعا ۲۵ با بسامد ۹ مورد بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است و دعا ۲ با ۲ مورد حذف، کمترین بسامد را داراست. حذف یکی از عوامل انسجام نشان از ایجاز نشر صحیفة سجادیه و کوتاه بودن جمله‌های آن است.

۷- حذف فعل در ادعیه مورد پژوهش صحیفه سجادیه

حذف فعل در کل نسبت به موارد دیگر (حذف اسم، جمله، شبه جمله و حرف) در دعاهای صحیفه سجادیه بیشتر است، مانند: «وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلَى رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي، وَفِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي» (تفوایت را رهتوشه من از دنیا و سفرم را به وادی رحمت خود و داخل شدنم به عرصه خوشنودی ات قرار ده: دعای ۲۱)، در این دعا کلمه «رحلتی» مفعول به دوم برای فعل محدود (اجعل) است و ترکیب «مدخلی» نیز مفعول به دوم برای فعل محدود (اجعل) است که آن افعال محدود به قرینه لفظی و معنوی واقع شده است. در حقیقت فعل محدود، جمله پیشین را با کمک حرف عطف به جمله های پسین ربط داده است و با ایجاد این ارتباط و اتصال یک متن هماهنگ، متّحد، پیوسته و منسجم آفریده شده است. و مانند: «إِنَّكَ طَالِبٌ إِنَّ أَنَا هَرَبَتُ وَمَدْرَكِي إِنَّ أَنَا فَرَرْتُ» (بی شک تو طالب من هستی اگر بگریزم و مرا گیرنده ای اگر فرار کنم: دعای ۵۰)، در این عبارات دو ضمیر مذکور «أنا» فاعل برای فعل محدود هستند که فعل های «هربت و فررت» مذکور تفسیر کننده و قرینه آن افعال حذف شده هستند. بنابراین حذف فعل نیز موجب تقویت روابط میان جمله های متن و در نتیجه موجب خلق انسجام می شود لذا آن یکی از مهم ترین عوامل انسجام در متن به حساب می آید. حذف با برقرار کردن پیوند میان عبارات پیشین و جمله های پسین جهت بازیابی کلمات محدود باعث پیوستگی و یکپارچگی میان عناصر متن می گردد.

جدول ۲- بسامد حذف فعل در ادعیه مورد پژوهش

دعا ۲	-
دعا ۲۱	«إِلَى رَحْمَتِكَ رِحْلَتِي» (اجعل تقواک رحلتی)- «فِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي» (اجعل تقواک مدخلی)- «وَرَغْبَتِي» (اجعل)- «وَأَنْسَ نَفْسِي» (اجعل)- «وَاسْتَغْنَائِي» (اجعل)- «وَكَفَائِي» (اجعل)- «وَلَا غَافِلًا» (لا تجعل)- «وَلَا آئِسًا» (لا تجعل)- «أَوْ ضَرَاءً» (كنت فی)- «أَوْ شَدَّةً» (كنت فی)- «أَوْ رَخَاءً» (كنت فی)- «أَوْ عَافِيَةً» (كنت فی)- «أَوْ بَلَاءً» (كنت فی)- «أَوْ بُؤْسٍ» (كنت فی)- «أَوْ نَعْمَاءً» (كنت فی)- «أَوْ جَدَّةً» (كنت فی)- «أَوْ لَأَوَاءً» (كنت فی)- «أَوْ فَقْرًا» (كنت فی)- «أَوْ غَنِيًّا» (كنت فی)- «وَمَدْحُى إِيَّاكَ» (اجعل)- «وَحَمْدَى لَكَ» (اجعل).

۸ مورد	«و بِإِصْلَاحِهِمْ» (مُنَّ) - «و بِإِمْتَاعِي» (مُنَّ) - «و أَدِيَانَهُمْ» (أَصِحَّ) - «و أَخْلَاقَهُمْ» (أَصِحَّ) - «و فِي جَوَارِهِمْ» (عَافِ) - «و فِي كُلِّ مَا» (عَافِ) - «حَدِيبِينَ» (مفعول به دوم برای فعل مذکور) - «و فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (مفعول به دوم برای فعل مذکور).	دعای ۲۵
۱ مورد	«سَبِّحَانَكَ» (أُسْبِحَّ).	دعای ۳۷
۲ مورد	«إِنَّ أَنَا هُرْبَتُ» (ضمیر أنا فاعل برای فعل مذکور است) - «إِنَّ أَنَا فَرَرْتُ» (ضمیر أنا فاعل برای فعل مذکور است).	دعای ۵۰
۷ مورد	«سَبِّحَانَكَ» (أُسْبِحَّ): این مورد چهار بار در این دعا آمده است. - «أَنْ تُغَنِّيَنِي» (أسأل) - «أَنْ تُسْلِيَ» (أسأل) - «أَنْ تُشَنِّيَ» (أسأل).	دعای ۵۲

براساس جدول شماره ۲ از مجموع ۳۹ مورد عنصر انسجامی حذف فعل، دعای ۲۱ با بسامد ۲۱ مورد بالاترین بسامد را از آن خود کرده است و دعای ۲ بدون داشتن حذفی در ردیف آخر قرار گرفته است. حذف از شگردهای متن صحیفة سجادیه برای اجتناب از تکرار مخل است و لازمه دعا، درخواست و انتظار اجابت رعایت اختصار و ایجاز است.

۸- حذف جمله در ادعیه مورد پژوهش صحیفة سجادیه

از حذف جمله در صحیفة سجادیه می توان به این مثال‌ها اشاره کرد: «لا يَغْفِلُ إِنْ غَفَلَنَا، و لا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا» (غافل نمی‌شود اگر غفلت کنیم و از یاد نمی‌برد اگر فراموش کنیم: دعای ۲۵)، جواب شرط در عبارات «إِنْ غَفَلَنَا» و «إِنْ نَسِينَا» به قرینه لفظی قبلی مذکور است که جواب شرط مذکور نخست به وسیله فعل «لا يَغْفِلُ» و جواب شرط دوم توسيط «لا يَنْسِي» تفسیر می‌شود، لذا طبق دیدگاه "هليدي" و "حسن" انسجام متنی، زمانی شکل می‌گیرد که یک ابزار تلویحی با ارجاع به واحدی از متن تفسیر گردد. و مانند: «فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيئًا مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا مَتَى؟» (پس کی سزاوار چیزی از پاداشت می‌گردد؟ نه کی؟: دعای ۳۷)، در این مثال جمله بعد از «متی» به قرینه لفظی پیشین یعنی جمله قبلی

حذف شده است و عنصر حذف شده با ارجاع به منابع دیگر یعنی عناصر مذکور پیشین تفسیر و مشخص می شود و همین ارجاع، روابط معنایی حاصل از پیوند و تفسیر درون متنی باعث شکل‌گیری انسجام در متن می‌گردد.

جدول ۳- بسامد حذف جمله در ادعیه مورد پژوهش

۱ مورد	«و لو کره المشركون» (جواب لو مذوف است).	دعای ۲
-	_____	دعای ۲۱
۲ مورد	«لا یغفل إن غلننا» (جواب شرط مذوف است) - «و لا ينسى إن نسيينا» (جواب شرط مذوف است).	دعای ۲۵
۱ مورد	«فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيئًا مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا مَتَى؟» (جمله بعد از «متى» مذوف است)،	دعای ۳۷
۲ مورد	«إِنَّ أَنَا هُرْبَتْ» (جواب شرط مذوف است) - «إِنَّ أَنَا فَرَرْتْ» (جواب شرط مذوف).	دعای ۵۰
-	_____	دعای ۵۲

با توجه به جدول شماره ۳ از مجموع ۶ مورد عنصر انسجامی حذف جمله، دعاها ۵۰ و ۵۲ هر کدام ۲ مورد و دعاها ۲ و ۳۷ هر کدام یک مورد حذف به خود اختصاص داده است و در دعاها ۲۱ و ۵۲ حذفی صورت نگرفته است.

۹- حذف شبه جمله در ادعیه مورد پژوهش صحیفة سجادیه

حذف شبه جمله نوع چهارم از انواع حذف در صحیفة سجادیه است و مقصود از آن حذف جار و مجرور یا ظرف می‌باشد. مثال‌هایی از حذف شبه جمله در ادعیه صحیفه: «و ائنْ عَلَىٰ بَكُلٍّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيْتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَمْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ» (دعای ۲۵)، در این مثال ابتدا کلمات «منه» از جمله‌ی «ما نسیت» سپس کلمات «ما و منه» در جمله‌های بعدی به قرینه لفظی حذف گردیده است (ما

ذکرتُ منه و ما نسيتُ أو أظهرتُ ...) و این حذف به شکل افزایشی صورت گرفته و باعث کاهش تدریجی کلمات متن شده است، در اینجا امام(ع) بسیار زیبا و ماهرانه یک حالت پارادوکسی ایجاد کرده است که افزایش سبب کاهش گشته است و این همان هنر ارتباط و پیوستگی میان عناصر متن است که توسط پدیده حذف خلق شده و موجب انسجام و پیوستگی در متن گشته است. مثالی دیگر: «فِي سَرَاءَ كُنْتُ أَوْ ضَرَاءَ، أَوْ شِدَّةً أَوْ رَخَاءً، أَوْ عَافِيَةً أَوْ بَلَاءً، أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءَ، أَوْ جَدَّةً أَوْ لَأَوَاءَ، أَوْ فَقْرٍ أَوْ غَنِّيًّا» (در خوشی باشم یا ناخوشی، در سختی یا آسایش، در تندrstی یا ناخوشی، در تنگدستی یا توانگری، در نیازمندی یا بی نیازی: دعای ۲۱)، در این دعا حرف جر «فِي» از اول کلمات ضراء، شدّه، رخاء، عافیّه، بلاء، بُؤس، نعماء، جدّه، لاء، فقر و غنی با قرینه لفظی حذف گردیده است و حروف عطف نیز در ربط دادن اسماء مجرور به کلمه «سراء» سهیم شده است. و با این حذفیات شکافی در متن ایجاد شده است و ذهن مخاطب با رجوع به عناصر مذکور پیشین جای خالی آن را پر می کند و در نتیجه ارتباطی فعال و منسجم شکل می گیرد.

جدول ۴- بسامد حذف شبه جمله در ادعیه مورد پژوهش

۴ مورد	«کَاشَف» (بالعداوة)- «وَمَوْضِعُ رِجْلِهِ» (عن موضع)- «وَمَسْقَط» (عن مسقط)- «وَمَأْنِسٍ» (عن مأنس).	دعای ۲
۱۱ مورد	«أَوْ ضَرَاءَ» (فِي ضَرَاءِ)- «أَوْ شِدَّةً» (فِي شِدَّةِ)- «أَوْ رَخَاءً» (فِي رَخَاءِ)- «أَوْ عَافِيَةً» (فِي عَافِيَةِ)- «أَوْ بَلَاءً» (فِي بَلَاءِ)- «أَوْ بُؤْسٍ» (فِي بُؤْسِ)- «أَوْ نَعْمَاءً» (فِي نَعْمَاءِ)- «أَوْ جَدَّةً» (فِي جَدَّةِ)- «أَوْ لَأَوَاءً» (فِي لَأَوَاءِ)- «أَوْ فَقْرٍ» (فِي فَقْرِ)- «أَوْ غَنِّيًّا» (فِي غَنِّيِّ).	دعای ۲۱
۵ مورد	«وَ مَا نَسِيَتُ» (منه)- «أَوْ أَظْهَرْتُ» (منه)- «أَوْ أَخْفَيْتُ» (منه)- «أَوْ أَعْلَمْتُ» (منه)- «أَوْ أَسْرَرْتُ» (منه).	دعای ۲۵
-	_____	دعای ۳۷
-	_____	دعای ۵۰
-	_____	دعای ۵۲

با توجه به جدول شماره ۴ از مجموع ۲۰ مورد عنصر انسجامی حذف شبه جمله، دعای ۲۱ با ۱۱ مورد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و در دعاهای ۳۷، ۵۰ و ۵۲ حذفی واقع نشده است.

۱- حذف حرف در ادعیه مورد پژوهش صحیفه سجادیه

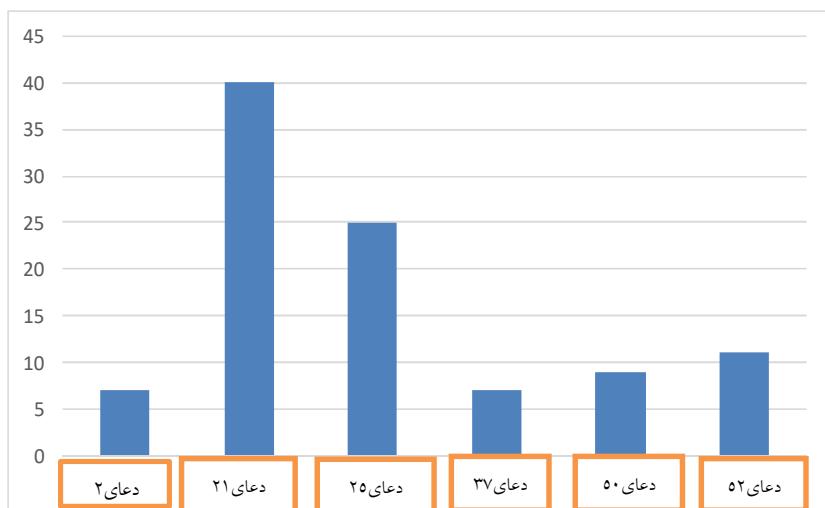
حرف محذوف در صحیفه سجادیه در مقایسه با انواع دیگر حذف کمتر است، مانند: «فَإِنِّي أَمْرُؤٌ حَقِيرٌ وَ خَطْرِي يَسِيرٌ» (قطعًا من انسانی حقیر و ناچیز و قدر و منزلتم پایین و اندک است: دعای ۵۰)، واژه «خطر» اسم «إن» محذوف است که با عناصر و واحدهای واژگانی مذکور پیشین تفسیر می‌شود. و همچنین کلمه «یسیر» خبر برای «إن» محذوف با قرینه لفظی است. این تفسیر و تعبیری که حذف پدیدآورنده آن است و مخاطب نیز به خاطر حذفیات صورت گرفته مجبور به تلاش و جستجو برای بازیابی و پرکردن خلاً در متن می‌شود و این وابستگی تعبیر و تفسیر برخی از عناصر زبانی به عناصری دیگر انسجام می‌افزیند. و مانند: «إِلَهِي أَصَبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ» (خدای من، روز و شب را به سر بردم در حالی که بنده خوار و ذلیل تو بودم: دعای ۲۱)، کلمه «الله» در «إِلَهِي» منادی برای حرف ندای محذوف(یا) است و نزدیک بودن بیش از حد امام(ع) به خدای خود و علاقه زیادش به خداوند متعال موجب حذف این حرف شده است تا این که ارتباط و اتصال در سریع‌ترین زمان ممکن صورت گیرد و این بیانگر اتحاد و پیوستگی متن صحیفه سجادیه است.

جدول ۵- بسامد حذف حرف در ادعیه مورد پژوهش

دعا	مقدار
۲۱	«وَافِي الْأَمْرِ الْمُخَوْفِ» (یا وافی ...)- «إِلَهِي» (یا الله)
۲۵	«إِلَهِي» (یا الله)
۳۷	-
۵۰	«وَ خَطْرِي يَسِيرٌ» (وَ إِنَّ خَطْرِي يَسِيرٌ).
۵۲	«إِلَهِي» (یا الله)

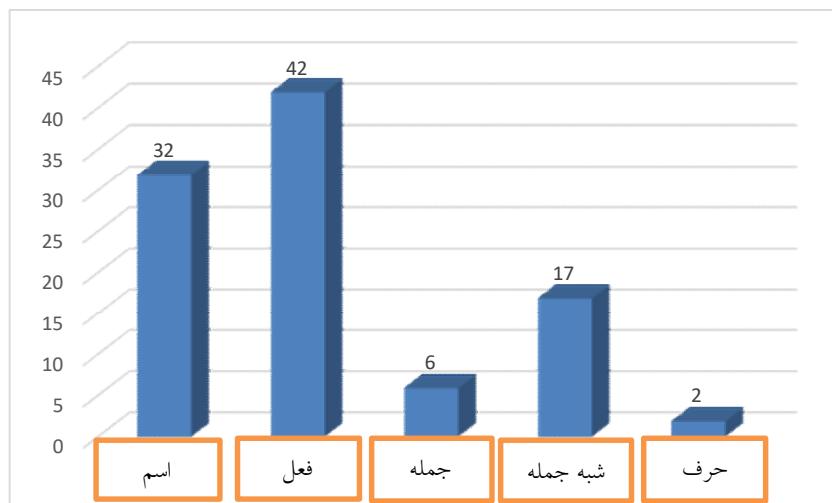
حذف حرف یکی دیگر از عوامل پیوستگی در متن است که به موجب آن وحدت متن و انسجام متنی حاصل می‌گردد. حذف حرف نداء در صحیفة سجادیه نشان از نزدیکی، عشق و محبت زیاد نداشتنده به فرد مورد ندایش است. امام سجاد(ع) به خاطر علاقه شدیدش به خدای متعال و برای ایجاد ارتباط سریع دست به حذف حرف نداء زده است تا در کوتاه‌ترین زمان به خواسته و محبوب خود برسد.

نمودار ۱- بسامد حذف در ادعیه مورد پژوهش



حذف یکی از عوامل پیوستگی و انسجام در متن صحیفة سجادیه نشان از اختصار و ایجاز نشر این متن دینی است و این، ویژگی بارز جمله‌های دعایی و گفتگوهای کوتاه است به دلیل این که لازمه سؤال و درخواست اجابت، کوتاه و مختصر کردن سخن است تا در کم‌ترین زمان مورد خواسته حاصل گردد.

نمودار ۲- بسامد انواع حذف در ادعیه مورد پژوهش



نمودار مذکور نشانگر بسامد اشکال مختلف حذف در ادعیه مورد تحقیق است و حذف فعل و اسم به ترتیب بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به این که هر فعلی دارای مقاومت‌گوناگون است، مانند: زمان، شخص، جنس، وجه و انجام کار یا حدوث حالت، و با عنایت به کثرت اسم و مشتقه‌گوناگون آن، طبیعی است که ذکر اینها وقت‌گیر و اتلاف وقت است به این دلیل که امام(ع) تلاش می‌کند در کوتاهترین زمان با خالق هستی ارتباط برقرار کند و این علاقه شدید وی به خدای بلندمرتبه و تعجیل جهت پیوند با مخاطب خود موجب حذف بیشتر این‌گونه کلمات گشته است. زیرا «حقیقت دعا از سطح لفظ بی‌جان خارج است و در مرتبه لفظ نیست، بلکه توجه به حضور عینی درخواست است» (سلمانپور، ۲۳).

نتایج مقاله

حذف با انواعش در صحیفه سجادیه نقشی مهم در انسجام و هماهنگی میان عناصر متن ایفا می‌کند. به عنوان مثال حذف در نیایش ۲۵ که جای حذف با علامت تهی مشخص

گردیده است بدین صورت است: «وَ امْنُ عَلَىٰ بِكُلٍّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَاِ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ ﷺ وَ مَا نَسِيْتُ ﷺ وَ مَا أَظْهَرْتُ ﷺ وَ مَا أَبْخَرْتُ ﷺ وَ مَا أَعْلَنْتُ ﷺ وَ مَا أَسْرَرْتُ ﷺ وَ مَا أَخْفَيْتُ ﷺ وَ مَا أَنْهَىٰ ﷺ وَ مَا يَكُونُ مِنْ أَنْهَىٰ ﷺ» (دعای ۲۵)، با توجه به اصل اقتصاد زبانی، حذف در این متن به صورت یک به دو و مکرر واقع شده، و در نتیجه تعامل میان خواننده و متن افزایش یافته است به این خاطر که خواننده در تلاش است تا مطالب قبلی را در ذهن خود حفظ کند و با قسمت‌های دیگر متن مرتبط سازد لذا تعامل و درگیری برای بازیابی و برقراری ارتباط بین خواننده و متن افزایش پیدا می‌کند و در نهایت منجر به انسجام و پیوستگی متن می‌گردد. در ادعیه مورد پژوهش حذف فعل و اسم بالاترین بسامد و حذف حرف کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. با بررسی انجام شده مشخص گشت که بسامد بالا در حذف فعل و شبه جمله از آن دعای ۲۱ و در حذف اسم برای دعای ۲۵ است.

با توجه به اصل اقتصاد زبانی و علاقه شدید امام سجاد(ع) به پروردگار خود، امام(ع) زبان خود را موجز و فشرده بیان کرده است تا ارتباط و انتقال پیام، سریع و در کوتاه‌ترین زمان صورت گیرد. بنابر این جمله‌ها در صحیفة سجادیه بیشتر کوتاه و موجز است و این به خاطر تعجیل در درخواست حاجت، راز و نیاز، گفتگوهای عارفانه و عاشقانه با خالق هستی است. «زبان دعا از سنخ الفاظ و گویش که از صوت در فضای دهان پدید می‌آید نیست ... در زبان دعا چون مخاطب در حقیقت خداوند متعال است، الفاظ موضوعیت ندارند» (همانجا، ۲۳). لذا پدیده حذف در متون دعایی و احساسی، زیاد صورت می‌گیرد زیرا لازمه سوال و اجابت در دعا، کوتاه ساختن سخن است و هم چنین در این گونه متون، روابط نزدیک تر و صمیمی‌تر است و همین مسأله اقتضاء می‌کند که جمله‌ها، بلند و طولانی نباشد تا فهم مقصود به سرعت حاصل شود و ابهامی در متن وجود نداشته باشد. بنابر این یکی از عللی که خواننده از مطالعه صحیفة سجادیه لذت می‌برد و سریع با آن انس می‌گیرد همین موجز بودن و منسجم بودن عبارات آن است.

کتابشناسی

۱. البرزی، پرویز، مبانی زبان‌شناسی متن، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۲. بوسته، محمود، الاتساق و الانسجام فی سورة الکھف، الجزائر - باتنة: جامعۃ الحاج لحضرت باتنة، الطبعة الاولى، م ۲۰۰۹ - هـ ۱۴۳۰.
۳. التفتازانی، سعد الدین، شرح المختصر، قم: انتشارات علامه، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۴. الجرجانی، عبدالقاهر، شرح دلائل الاعجاز، الشارح: محمد ابراهیم شادی، مصر - القاهره: دار اليقین، الطبعة الثانية، هـ ۱۴۲۴ - م ۲۰۱۳.
۵. الخطابی، محمد، لسانیات النص (مدخل الى انسجام الخطاب)، بيروت: المركز الثقافي العربي، الطبعة الاولى، ۱۹۹۱.
۶. الشرتونی، سعید، أقرب الموارد في فصح العربية و الشوارد، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشی النجفی، د.ط، ۱۴۰۳.
۷. رازی، محمد بن أبي بکر بن عبد القادر، مختار الصحاح، لبنان - بيروت: مکتبة لبنان، د.ط، ۱۹۹۶.
۸. زیدان، جرجی، تاريخ آداب اللغة العربية، بيروت: منشورات دارمکتبة الحیاة، د.ط، ۱۹۹۲.
۹. سلمانپور، محمدجواد، تحلیل زبان دعا، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۱۵، ۱۳۸۴.
۱۰. صفوی، کورش، آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۱. عاصی، میشاال؛ بدیع یعقوب، امیل، المعجم المفصل فی اللغة و الادب، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الأولى، ۱۹۸۷.
۱۲. کرول، دیویددبليو، روان‌شناسی زبان، مترجم: حشمت‌الله صباحی، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۱.
۱۳. الكھوی، ابوالبقاء، الکلیّات (معجم فی المصطلحات و الفروق اللغوية)، بيروت: مؤسّسة الرسالة، الطبعة الثانية، م ۱۹۹۸.
۱۴. معلوف، لویس، المتجد فی اللغة، بيروت: دار المشرق، الطبعة الحادية و العشرون، ۱۹۷۳.
۱۵. الهاشمی، احمد، جواهر الادب فی ادبیات و إنشاء لغة العرب، بيروت: المکتبة العصریہ، د.ط، م ۲۰۰۶.
۱۶. هالیدی، مایکل؛ حسن، رقیه، زبان، بافت و متن، ترجمه: محسن نوبخت، تهران: انتشارات سیاهروود، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۳.